

۳۵	..... ابعاد تعلیم و تربیت
۳۵	..... تعلیم و تربیت ، ضرورتی برای بقای فرد
۳۶	..... تعلیم و تربیت ، ضرورتی برای بقای اجتماع
۳۶	..... تعلیم و تربیت ، ضرورتی برای توسعه
۳۷	..... تعلیم و تربیت ، ضرورتی برای عصر اطلاعات
۳۸	..... تعلیم و تربیت ، ضرورتی برای اشتغال
۳۸	..... تعلیم و تربیت ، ضرورتی برای تکامل انسان
۳۹	..... شواهدی از رویکرد اسلام به تعلیم و تربیت
۴۱	..... انتظارات امروز از تعلیم و تربیت
۴۲	..... گزیده ای از قانون اساسی جمهوری اسلامی
۴۴	..... تعلیم و تربیت و مدرسه

arabni.org

## ابعاد تعلیم و تربیت

### تعلیم و تربیت ، ضرورتی برای بقای فرد

انسان از نظر زیست شناسی و فیزیولوژیکی - در مقایسه با سایر حیوانات - عریان است و برای مقابله با محیط زیست خود ، تخصص ذاتی ندارد . با این همه ، با اینکه غرایزش نسبت به حیوانات دیگر ضعیف تر است ، به تدریج توانسته است بقاء و سپس تکامل خود را تامین کند . ( آموختن برای زیستن ، ص ۵۹ )

برخورد و مواجهه انسان با محیط طبیعی به او اجازه داده است تا در محیط های گوناگون جغرافیایی و زیستی به حیات خود ادامه دهد . او توانسته است ، محیط را تغییر دهد و یا با استفاده از امکانات محیطی و یا ساخت ابزار ، شرایط را برای خود مساعد کند و هنوز هم انسان در پی کشف محیط های تازه و ابزارها و امکانات جدید است .

این روند در طول زمان شکل گرفته است ، هر نوع تغییر محیط یا ساخت ابزار و یا بهره گیری و تغییر امکانات ، سابقه ای دیرین دارد . ساخت سرپناه ، جمع آوری و تولید انواع مواد غذایی ، پوشش ها ، داروها ، ابزارهای کار و بسیاری از موارد دیگر به برکت دانش های فراوانی است که از نسل های گذشته به فرد رسیده است .

بدون تردید اگر تجربیات بشری از یک نسل به نسل دیگر منتقل نمی شد ، بقای فرد و به طور کلی

بقای نوع بشر به مخاطره می افتاد .

### تعلیم و تربیت ، ضرورتی برای بقای اجتماع

انسان به دلیل ضعف های فیزیولوژی - در مقایسه با سایر حیوانات - و تنوع شیوه های برخوردش با محیط ، نیازمند است که به صورت اجتماعی زندگی کند . اجتماع های انسانی شکل های گوناگونی داشته و یا پیدا کرده است . از خانواده های بشر اولیه تا خانواده های امروزی ، از گروه های بدوی تا کلان شهرهای امروزی ، همگی بیانگر این نیاز بشر است .

صور آموزشی در جوامع تعلیم یافته امروزی نیز ، آن چنان که در ابتدا به نظر می رسد ، تفاوت چندانی با گذشته ندارد . زیرا هنوز ، هم کودکان و هم بزرگسالان تا حدود زیادی تعلیم و تربیت خود را مستقیماً و به طور ضمنی و تصادفی از تجربه حاصل از محیط و خانواده و اجتماع خود کسب می کنند . دانشی که بدینگونه به دست می آید به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار است . زیرا که بر نیروی دریافت کودک نسبت به آموزش مدرسه ای تاثیر می گذارد و این آموزش هم به سهم خود چنان قالب تفکری برای شاگرد فراهم می آورد که از طریق آن بتواند به دانشی که از محیط کسب کرده است نظم بخشد و مفهوم عینی بدهد . (آموختن برای زیستن ، ص ۶۰)

تعلیم و تربیت کودکان در همه جوامع ، خواه ابتدایی یا بسیار متمدن ، حتی تا این اواخر اکثراً به طور ضمنی یا فرعی انجام می گرفته نه در مدارس خاصی که برای چنین مقصودی ایجاد می شده است . بزرگسالان به کارهای اقتصادی و وظایف اجتماعی دیگر خود می پرداختند ، کودکان نیز خارج از این مقوله نمی ماندند و مورد توجه این گروه بودند و راه مشارکت را در این فعالیت ها می آموختند . البته به طور رسمی تحت تعلیم قرار نمی گرفتند . در بسیاری از نهادهای بزرگسالان ، تعلیم ضمنی همیشه به عنوان جزء اصلی فعالیت های مربوط تلقی می شد . ( آموختن برای زیستن ، ص ۸۱ ) .

### تعلیم و تربیت ، ضرورتی برای توسعه

شواهد و دلایل گوناگون ، اثرات مثبت آموزش را در کاهش فقر و تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی انکار ناپذیر ساخته است . مدارک موجود دلالت بر آن دارد که در کشورهای در حال توسعه ، بزرگسالان با سطح سواد بالاتر دارای درآمد فردی بیشتر ، امکان اشتغال بیشتر در بازار شهری ، بهره وری کشاورزی بالاتر ، باروری کمتر ، بهداشت بهتر ، وضعیت تغذیه مناسب تر و بینش بالاتر خواهند بود و به احتمال زیاد

فرزندانشان را نیز به مدرسه خواهند فرستاد. ( ورسپور و لاکهید، ۱۹۸۹، ص ۲۲ )

آموزش تعلیم و تربیت نقش ویژه ای در تحکیم وحدت ملی و تقویت همبستگی اجتماعی از طریق اشاعه سنت ها و رسوم اجتماعی معمول، ایدئولوژی ها، زبان ها، بهبود وضعیت توزیع درآمد، افزایش پس اندازها، منطقی کردن الگوی مصرف، ارتقای موقعیت اجتماعی زنان و بالاخره زمینه سازی انطباق بیشتر جامعه با تغییرات تکنولوژیک ایفا نماید. ( همان )

### تعلیم و تربیت، ضرورتی برای عصر اطلاعات

برای قرن های متوالی، تعلیم و تربیت، تحولات اجتماعی - سیاسی - اقتصادی را همراهی و یا پیروی می کرد. اما از اوایل قرن بیستم میلادی، انقلاب وسایل ارتباطی آغاز شد. امروز به ندرت می توان بشری یافت که امواج رادیویی را دریافت نکرده باشد و یا با تلفن ناآشنا باشد و یا با تصاویر تلویزیونی بیگانه باشد. این انقلاب وسعت جغرافیایی و سماوی را با تمام عظمتش و زمان را با همه کوچکی مقیاسش در برگرفته است.

این انقلاب اطلاعاتی با تمام رویدادهای عمر بشر، مانند رنسانس و انقلاب صنعتی، تفاوت های چشمگیری دارد. سرعت تبادل اطلاعات، سرعت تغییرات را در پی داشته و این سرعت تغییرات، تقاضاهای افراد بشر را دگرگون کرده است.

در شرایط امروز، وسایل ارتباطی، توانمندی های خاصی برای قدرتمندان سیاسی و اقتصادی فراهم نموده که انبوهی از اطلاعات و تبلیغات - موجه و غیر موجه - به مخاطبان می دهند. در چنین شرایطی فرد باید بتواند در برابر خطرهایی که در بطن این اطلاعات نهفته است و هر آن هویت او را مورد تهدید قرار می دهد، ایستادگی کند.

در دهه های آخر قرن بیستم، با توسعه و گسترش ماهواره و اینترنت، شاهد تحول دیگری در اطلاعات هستیم. اگر تا یک قرن پیش، معتمدان، رادیوهای محلی منابع اطلاعاتی بودند، در حال حاضر مرزها و محدودیت ها در حال شکستن است.

اگر کودکان تا چند دهه پیش، تربیت اجتماعی و هویت خود را از جامعه محلی و یا منطقه ای دریافت می کردند، امروز اطلاعات و فرهنگ جوامع دیگر در منازل وجود دارد. با این مختصر واضح است که توقعات و انتظارات از تعلیم و تربیت تغییرات چشمگیری پیدا می کند. از تعلیم و تربیت امروزی انتظار می رود تا:

(۱) شیوه بهره گیری درست از وسایل ارتباطی را به کودکان منتقل کند.

(۲) توانایی سرند کردن اطلاعات ایجاد نماید.

(۳) توانایی ایستادگی و حفظ هویت فکری و عاطفی را ایجاد کند.

(۴) افراد قادر باشند که آموخته های خود را در زندگی به کار گیرند.

(۵) شیوه ها و اطلاعات نو را به کار گیرد.

### **تعلیم و تربیت، ضرورتی برای اشتغال**

تعلیم و تربیت قرنهایی که چندان دور نیست، بخشی از اهدافش تربیت، پیشه و یا هنر بود. توصیه های مربوط به آن را در تاریخچه مشاهده کردیم. به تدریج پیشه ها متنوع و تخصصی تر شدند، در مقابل آموزش همگانی پوشش بیشتری پیدا کرد و این پوشش به سوی مواد و محتوای یکسان برای همه پیش رفت. در شرایط حاضر تعارضی میان آموزش عمومی و پیشه و هنرآموزی ایجاد شده است. همین امر موجب شده تا خلاء حاصل میان دانش آموختگان نظام عمومی آموزش و پرورش با نیازهای بازار کار بیشتر به چشم آید. به هر حال این واقعیت وجود دارد که فاصله فارغ التحصیلان نظام آموزشی رسمی با اشتغال قابل توجه است.

### **تعلیم و تربیت، ضرورتی برای تکامل انسان**

در ادبیات مربوط به قرن هفدهم میلادی به بعد، نگاه به تکامل علمی و فنی بشر قوت گرفت تا جایی که در بعضی از منابع، وجوه تکامل - از نوعی که مورد نظر مکتب اسلام است - بسیار کم رنگ و یا فراموش شده است. گروهی به "انسان گرایی"، گروهی به "تجربه گرایی"، گروهی به "هستی گرایی" و حتی گروهی به نفی هر نوع متافیزیک پرداختند.

« در عصر جدید، به ویژه از قرن هجدهم از قرن هجدهم که عقل به فضولی آغاز می کند و از قید

مذهب - و بیشتر دوست می دارم بگویم: مذهبی ها - خود را می خواهد آزاد کند و " علم " را جانشین " شرع " سازد و " ایدئولوژی " را جانشین " دین ". بحران عظیم تعلیم و تربیت نیز آغاز می شود زیرا دو پایه اساسی آن، یعنی ایمان و اخلاق، متزلزل می شود و سیستم " ارزش ها " - که مقدسات لایزال بودند - در زیر سرانگشتان خشک و خشن " عقل تحلیلی " تاب تحمل نیاوردند و پژمرده و پریر شدند و ناچار، عقل وارث قرون وسطی و زاده رنسانس و مجهز و مغرور به علم، کوشید تا بنیاد اخلاقی را بریزد بی اتکاء خدا و بی پایگاه مذهب. اینجا این حقیقت بزرگ ثابت می شود که، علی‌رغم دگرگونی انقلابی ارزش ها و طرد و تحقیر معنویت ها و نیرو گرفتن روح مصلحت جوئی و نفع طلبی و حسابگری خشک عقلی، هنوز هم " اخلاق " به عنوان زیربنای تعلیم و تربیت تلقی می شود و تنها سخن برسر این است که آن را از تکیه گاه همیشگی اش - یعنی مذهب - جدا کنند و به جای " تقدس "، " تعقل " را بگذارند و در اخلاق، به جای آن که بگویند: " این خوب است چون حقیقت است "، بگویند: " این خوب است، چون مصلحت است ". « (شریعتی، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۸۸)

در جامعه ما هدف غایی و نهایی " سیر به سوی خداوند " است و در جای جای تعالیم کتاب آسمانی، رسول اکرم (ص)، امامان (س)، رهبران و قانون اساسی، بر آن تاکید شده است. همین امر تمایز بارز و مهمی در وظایف نظام و اهداف تعلیم و تربیت ایجاد می کند. در چنین نظامی کلیه تعالیم و تربیت هایی که در راستای هدف یاد شده نباشند، جایز نیستند. - مگر با شرایط خاص و برای افراد خاص - . به عنوان نمونه این امر در مورد تربیت اجتماعی، مانند: روابط مردان و زنان، در تربیت اقتصادی، مانند: نفی هرگونه سلطه و کسب حرام به خوبی قابل مشاهده است. لذا پرورش انسانهایی که در مسیر تکامل مورد نظر اسلام باشند، از ضرورت های اساسی تعلیم و تربیت است.

### شواهدی از رویکرد اسلام به تعلیم و تربیت

اسلام در تعلیم و تربیت چهره ای کاملاً متمایز دارد:

۱- عقل و علم - بر خلاف بسیاری از مذاهب که انکار یا تحقیر می شوند - در اسلام ملاک، یافتن حقیقت و ضابطه رستگاری تلقی می شوند.

۲- تحصیل علم برای همه، یک تکلیف حتمی و واجب دینی شمرده شده است.

- ۳- معمولاً هر پیامبری معجزه ای دارد، دلیل بر حقایق رسالتش. و برای پیامبر اسلام، این دلیل، یک " کتاب " تعیین شده است .
- ۴- نام این کتاب نیز با این بحث تناسب دارد: قرآن، خواندنی .
- ۵- وحی با فرمان قاطع و مکرر " بخوان " آغاز شد. فرمان خواندن از خدا به پیامبرش و پیامبر محمد امی، با توانایی یافتن وی بر خواندن!
- ۶- نخستین پیام سوره، " اقرء " است .
- ۷- بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از " علق " آفرید، بخوان و خداوند گرامی تر، که با قلم تعلیم داد، انسان را آن چه نمی دانست تعلیم داد .
- ۸- در نخستین پیام، سه مساله در کنارهم طرح شده است. به عنوان انتخاب سه صفت از میان صفات بزرگ خدا: الف) آفریدن ب) آفرینش انسان ج) آموزش انسان
- ۹- هم ردیفی آفرینش و آموزش. آموختن بیدرنگ پس از آفریده شدن .
- ۱۰- خدا، آفریدگار و سپس آموزگار .
- ۱۱- "علق" ( عنصر اولیه خلقت انسان ) و بی درنگ " قلم " ( عنصر اولیه تعلیم )
- ۱۲- اما شگفت آور از آن، اول آفریدگاری خدا وصف شده است و سپس آموزگاری او، ولی این تقدم، بر حسب تقدم زمانی است، اما از نظر ارزش، آموزگاری خدا بر آفریدگاری او مقدم است. در سخن از خلقت: خداوندگارت که آفرید. ولی در سخن از تعلیم: خداوند گرامی تری که آفرید .
- ۱۳- در جنگ بدر، پیامبر، برای نخستین بار در تاریخ انسان، اسیرانی را که در اولین پیروزی جنگی اش از دشمن گرفته بود اعلام کرد همه اسیران جنگی را که با سوادند رایگان آزاد می کنم مشروط بر آن که هر اسیری، ده تن از اطفال مسلمین را خواندن و نوشتن بیاموزد. در حالی که اینان خطرناکترین دشمنان وی بودند و مسلمانان در فقری وحشتناک بسر می بردند .
- ۱۴- وی "مرکب دانشمندان را از خون شهیدان " گرامی تر خوانده است، در حالی که خود مردی امی

بوده است .

۱۵- کسانی از یارانش را فرمان داد که از کفار- و حتی یهودیان - سواد بیاموزند و زبان خارجی .

۱۶- العلما ورثه الانبیا . علما امتی افضل من انبیا بنی اسرائیل .

۱۷- تجلیل های شگفت و موکد از علم و تعلیم و تعلم در قرآن و سنت . از قبیل " هل یستوی الذین

یعلمون والذین لا یعلمون " ؟ و پاسخ پیامبر به سوال کسی که از او پرسید اگر بیش از یک شب

به پایان عمر من مانده باشد ، آن شب را چگونه بگذرانم ؟ فرمود : آن شب را به گفتگوی علم

بگذران ! و فرمان تحصیل دانش در هر جا و از هر کس ، اطلبوا العلم ولو فی الصین .

۱۸- تکیه بر پرورش و اصالت اخلاق و اعلام استعداد خدایی انسان .

۱۹- تخلقوا به اخلاق .ه ( خلق و خوی خدا را بگیرید ) !

۲۰- بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

۲۱- تکیه بر دو اصل "تزکیه" و "تعلیم" ، بدینگونه که در مرحله نخست تزکیه ، و در مرحله بعدی

"تعلیم" .

۲۲- ارزش اخلاقی ، تنها عامل فضیلت و برتری در میان انسانها . " ان اکرم کم عندا..ه اتقیکم "

( شریعتی ، فلسفه تعلیم و تربیت ، صص ۹۸-۱۰۱ )

## انتظارات امروز از تعلیم و تربیت

مروری بر قانون اساسی ج.ا.ا ، بیانیه حقوق بشر ، نظریه های آموزشی و یادگیری و ... به خوبی نشان

می دهند که انتقال دانش یکی از کارکردهای جزیی تعریف شده برای آموزش و پرورش و مدرسه است .

ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین اعلام می دارد :

۱. هرکس حق دارد از تربیت بهره مند گردد . تربیت باید لاقبل در زمینه آموزش عمومی و اساسی

رایگان باشد . آموزش عمومی اجباری است . آموزش فنی و حرفه ای باید تعمیم یابد . ورود به آموزش

عالی باید برای همه در حد تساوی کامل و براساس شایستگی افراد باشد .

۲. هدف تربیت باید شکفته ساختن کامل شخصیت انسانی و تحکیم و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد. تربیت باید زمینه تفاهم و اغماض و دوستی را میان کلیه ملت ها و گروه های نژادی و مذهبی مساعد سازد و نیز گسترش فعالیت های " ملل متحد" را در راه حفظ صلح هموار نماید.
۳. پدران و مادران در گزینش نوع تربیت برای فرزندان خود حق تقدم دارند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به دیدگاه های ارزشی خود هدف های والای بیشتری بر بیانیه حقوق بشر در این زمینه نیز افزوده است.

### گزیده ای از قانون اساسی جمهوری اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هدف ها و آرمان هایی را برای نظام، جامعه، مردم و آینده تصویر کرده است. این آرمان ها الزاما باید توسط نظام آموزش و پرورش پیگیری و پوشش داده شود.

### اصل دوم

۶- ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن ها

۶- ج - نفی هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری

### اصل سوم

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد

۲- بالابردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های

گروهی و وسائل دیگر

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق

مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

- ۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی
- ۷- تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون .
- ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی خویش .
- ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه ، در تمام زمینه های مادی و معنوی .
- ۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور .

### اصل دهم

از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است ، همه قوانین . مقررات . برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده ، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد .

### اصل پانزدهم

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است . اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد . . .

### اصل شانزدهم

از آن جا که زبان قران و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملا با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاسها و رشته ها تدریس گردد .

### اصل نوزدهم

مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ ، نژاد و زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود .

### اصل بیست و یکم

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را

انجام دهد:

ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ...

### اصل سی ام

دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به صورت رایگان گسترش دهد .

### اصل پنجاهم

در جمهوری اسلامی ، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند ، وظیفه عمومی تلقی می گردد ...

### تعلیم و تربیت و مدرسه

اگرچه بخشی بزرگی از عمر کودکان ، نوجوانان و جوانان در کلاس و در مدرسه می گذرد ، اما نمی توان تعلیم و تربیت و مدرسه را مترادف هم دانست . مدرسه یکی از روشها و ابزارهای قابل استفاده برای تعلیم و تربیت است . بیشتر دانش ، مهارتها و نگرش هایی که انسانها کسب می کنند - حتی در زمان تحصیل در مدرسه - از منابع دیگر جامعه تامین می شود .

اگر چه مدرسه محیطی را فراهم می کند که در خانواده یا جامعه مشابه ندارد ، اما توانایی ها و مقدار نفوذ مدرسه در زمینه پوشش اهداف تربیتی نیازمند توجه بیشتر است . این واقعیت وجود دارد که در صحبت ها - حتی نزد متولیان آموزش و پرورش - مدرسه را مترادف با تعلیم و تربیت به کار می برند .